ضمیمه انترناسیونال ۶۱۲

**سیاست سازماندهی حزبی، ابزار و سبک کار!**

**کیان آذر**

هر فعالیت جمعی برای تغییر، احتیاج به برنامه ریزی، طرح درست و واقعی صورت مسئله و هدف و ایجاد و انتخاب روش های صحیح رسیدن به هدف و نیز نیاز به ایجاد رابطه و هماهنگی بین افراد و جمع های مختلف در سطح جامعه را دارد. دخالتگری سیاسی برای تغییر وضعیت موجود یکی از فعالترین بخشهای موجود در جامعه بشریست که تعداد زیادی از انسان ها برای بهبود وضعیت زندگی خود در آن حضور دارند و فعال هستند. بنابه همین خصیصه نقش ارتباط گیری بین انسانها و هماهنگ شدنشان برای یک عمل هماهنگ تا رسیدن به هدف یکی از مباحث داغ دوره حاضر هست و تقریبا به یک دانش تبدیل شده و مورد بحث بخشهای مختلف جامعه از احزاب سیاسی و تشکلهای مختلف تا دولتها است.

**ابزارهای تاثیر اجتماعی در دوره معاصر**

با نگاهی به دو قرن گذشته میبینیم که در هر دوره یک ابزار، نقش تعیین کننده ای در روابط اجتماعی و انتقال اطلاعات و خبر و نیز ابزار هماهنگی و متشکل شدن و سازماندهی و سازمانیابی داشته است. در دوره ای ما میبینیم که این نقش را روزنامه و کتاب و اساسا انتشارات و تولیدات کتبی به عهده داشته است. با پیشرفت تکنولوژی این نقش به شکل صوتی و اساسا از طریق رادیو ها انجام میگرفته است. بدنبال آن با اختراع تلویزیون و جا باز کردن این وسیله در زندگی میلیونها انسان در جوامع مختلف، مهمترین ابزار انتقال اطلاعات و شکل و جهت دادن به افکار عمومی را تلویزیون ایفا کرده است. در ادامه شاهد بوجود آمدن تلویزیونهای ماهواره ای و امکان استفاده افراد از آن چه بصورت مصرف کننده در خانه ها و چه بصورت تولید کننده برای ارتباط گیری با جامعه بوده ایم.

در اویل قرن 21 ما شاهد رشد سریع تکنولوژی و فناوری هستیم که در این دوره اینترنت تازه متولد شده، حالت همه گیر پیدا میکند و اساس و بستر اصلی روابط اداری و ارتباطی جوامع بشری میشود. قیمت ابزارهای استفاده از اینترنت هم مرتبا ارزانتر میشود و جمعیت بیشتری توان استفاده از آن را برخوردار میشوند و نقش اینترنت آنقدر تعیین کننده میگردد که علیرغم توان اقتصادی ضعیف بخشهای پایین جامعه اما یکی از نیازهای ضروری زندگی، تهیه و امکان استفاده از اینترنت میشود. اینترنت و ابزار استفاده از آن یعنی کامپیوتر، لبتاپ و موبایل یکی از ضروری ترین نیازهای جوامع بشری میگردد و در حال حاضر بدون این امکان، زندگی برای افراد بسیار مشکل است بصورتی که حتی فرد نمیتواند کارهای اداری و تحصیلی و شغلی خود را پیش ببرد.

**سیاست و استراتژی سازماندهی حزبی چپ در قرن حاضر و نمونه های آن**

بعد از فروپاشی شوروی واقعیتی که در برابر دنیا قرار گرفت این بود که چطور میتوان تسلیم سرمایه داری و سیستم سود و بازار نشد و برای تغییر وضعیت موجود تلاش کرد. این واقعیت در برابر زندگی میلیونها انسانی بود که هر روز توسط حاکمیت به معیشت و آزادی و حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادیشان و کلا به دستاوردهای معاصر بشریت حمله میشد و مردم باید در حفظ شیرازه زندگی شخصی و اجتماعیشان دست به مقاومت و مبارزه میزدند. و در سطحی دیگر در برابر فعالین سیاسی و احزاب کمونیستی این مسئله مطرح بود که با دنیای بعد از فروپاشی شوروی که با حمله وسیع نئولیبرال ها و سرمایه داری به کمونیسم و هر گونه برابری خواهی و آزادیخواهی همراه بود چه باید کرد؟!

صورت مسئله ای که در برابر فعالین و احزاب کمونیست از خاورمیانه نظیر ایران گرفته تا در اروپا قرار داشت را شما در روند شکل گیری سازمانها و احزابی مثل حزب کمونیست کارگری ایران و مباحث طرح شده از طرف منصور حکمت مانند "مارکسیسم و جهان امروز"، "تفاوتهای ما"، "بولتن شوروی و نقد سوسیالیستی به تجربه شوروی"، "مبانی کمونیزم کارگری"، "دموکراسی: تعابیر و واقعیات"، "آیا پیروزی کمونیزم در ایران امکان پذیر است؟!"، "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" میتوانید ببینید و یا نظیر همین پروسه را که کمونیستها در اروپا طی کرده اند را شما از طرف رهبری سیریزا ویا پودوموس میشنوید.

**طرح سئوال**

**1. استراتژی کمونیسم در بحران، چیست؟**

اینکه جنبش کمونیستی که با دستاویز قرار گرفتن از فروپاشی شوروی(سرمایه داری دولتی) توسط بلوک رقیب-سرمایه داری بازار آزاد- که پیروز این رقابت بوده، تحت حمله شدید قرار گرفته و پایانش اعلام شده چه استراتژی برای برون رفت از این وضعیت باید داشته باشد و این اولین سئوال در مقابل کمونیستها بوده که باید آنرا مطرح و به آن جواب دهند.

**2. حزب نوین کمونیستی چه مختصات و سبک کاری باید داشته باشد؟**

اینکه در قرن 21 با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و رودرویی اکثریت جامعه که هر روز بر تعدادش نیز بیشتر شده و توان اقتصادیش ضعیفتر میشود و هیچ نفعی هم در تولیداتی که خلق میکند ندارد و دخالت و توان و اجازه تصمیم گیری در پروسه سیاسی و اقتصادی ندارد با اقلیتی که صاحب همه ثروتها، امکانات و قدرت است. در این تقابل و مبارزه طبقاتی شبانه روز، که در عرصه های مختلف و به اشکال پیچیده و متنوعی در جریان است، چه حزبی میتواند نماینده چپ جامعه و کمونیزم باشد. چنین حزبی چه طول و عرض و مختصات و سبک کاری باید داشته باشد؟

**3. برنامه لازم است؟**

اینکه برای مقابله با شرایط و استارت در دوره جدید که در بالا به آن اشاره کردم احتیاج به داشتن برنامه ای که مشخصا مواضع حزب کمونیستی و جنبشش را بتواند بیان کنند و رو به جامعه تصویر روشنی از حزب ارائه دهد لازم بوده که باید تهیه و تدوین میشد.

**4. رابطه حزب نوین کمونیستی با جنبش های موجود در جامعه چه باید باشد؟**

اینکه رابطه حزب با جنبش های موجود در جامعه که حول مطالبات و خواسته های مختلفی در حال مبارزه و فعالیت هستند چه باید باشد و اینکه عرصه های مبارزاتی این فعالیتها را جزئی از مبارزه طبقاتی تعریف کند و کمونیسم را دخیل در این مبارزات بداند و یا خیر و اینکه دغدغه ارتباط اجتماعی و برقرار کردن و دخالتگری و سازماندهی و رهبری در این جنبش ها را دغدغه خود بداند بحث جدی بوده که در این دوره مطرح شده و باید به آن جواب داده میشد و برخلاف کمونیسم غیرکارگری و چپ سنتی، این فعالیتها و مبارزات را خارج از مبارزه طبقاتی و مبارزه کارگران و چپ جامعه برای سرنگونی سرمایه داری نداند، این مسئله یکی از گره گاه ها و تفاوتهای کمونیسم این دوره با جریانات غیرکارگری بوده است.

**5. برنامه ریزی برای بیرون آوردن کمونیسم از حاشیه چیست؟**

اینکه چه برنامه ریزی و سبک کاری باید برای احزاب کمونیستی وجود داشته باشد تا کمونیسم را که به حاشیه رانده اند و پایانش اعلام شده را مجددا به بطن اصلی جامعه و قسمت گود استخر برگرداند و بار دیگر بعنوان آلترناسیو سیاسی و دولت آنرا مطرح کرد که از طرف جامعه به رسمیت شناخته شود و پذیرفته و انتخاب شود.

**ابزارهای فعلی سازماندهی حزبی و اجتماعی**

با توجه به محورهایی که در بالا مطرح شد، ما با روندی روبرو بوده ایم که برای تغییر وضعیت موجود، ارتباط و سازماندهی دو فاکتور تعیین کننده بوده اند و احزاب و فعالین باید منطبق با دوره حاضر سیاست سازماندهی روشن و واقعی و متناسب با دوره حاضر برای خود تعریف کنند. در این میان با وجود اینترنت و تا حد زیادی هم تلویزیونهای ماهواره ای شاهد بیرون آمدن انحصار رسانه ها و انتقال اطلاعات از دست دولتها و اقلیت جامعه هستیم. امکانی که این ابزارها دارند هم به مردم اجازه ابراز وجود میدهد به اینکه بتوانند مستقیما نظراتشان را بیان کنند و مستقیما وقایع را به اطلاع بقیه در سایر نقاط برسانند، پدیده ای که بعنوان "شهروند خبرنگار" شناخته میشود. یعنی فردی با یک تلفن هوشمند میتواند تبدیل به یک خبرنگار شود. اما ویژگی دوم که تعیین کننده تر است برمیگردد به توان سازماندهی این ابزار برای پیشبرد حرکتهای اعتراضی و جمعی. در واقع انقلابات بین سالهای ۱۳۹۲- ۱۳۸۸ (۲۰۱۳-۲۰۰۹) از ایران، تونس و مصر گرفته تا جنبش های اعتراضی مثل 99درصدی ها و نمونه های ترکیه و اوکراین و برزیل تا آسیای جنوب شرقی به ما نشان میدهد که مهمترین ابزار سازماندهی در دوره حاضر اینترنت و شبکه های اجتماعی هستند. سرعت و گستردگی، دو خصلت برجسته این پدیده است که میتواند توان هماهنگی، سازماندهی و رهبری حرکتهای جمعی را دوچندان کند.

**ظرف و زبان و ادبیات این ابزار**

شبکه های اجتماعی در اینترنت نظیر فیسبوک، توئیتر، یوتیوب و گوگل پلاس وحتی نسل جدیدتر آنها که اپلیکیشنهای موبایلهای هوشمند هستند نظیر تلگرام، واتس اپ، وایبر و لاین سرعت و گستردگی سرعت زائد الوصفی در هماهنگ کردن، سازمان دادن و ایجاد شبکه های عرصه ای، منطقه ای و فرا منطقه ای را به کاربران و فعالین میدهد. در عین حال این ابزار زبان و کارکرد خاص خودش را دارد. یکی دیگر از ویژگی های این ابزار متقابل بودن ارتباطی آن است. همانطور که گفتم این ابزار در حال حاضر مهمترین مکانیزم برای تغییر و پیشبرد حرکتهای جمعی است. دولتها از یک طرف سعی در کنترل و نظارت بر آن را دارند و مضافا در جاهایی مثل ایران اینکه حکومت میخواهد سانسور مستقیم بر آن اعمال کند و کاربران را از استفاده از آن محروم کند و از طرف دیگر بموازات دولتها بعنوان یکی از قوی ترین امکانات در جهت تبلیغ و استفاده در جهت منافعشان آنرا بکار میبرند. حزب دخالتگر و جدی سیاسی که میخواهد رو به جامعه کار کند نقش اصلی در سازماندهی و رهبری مبارزه و جنبش ها داشته باشد باید از این ابزار کاملا بهره ببرد.

ما باید در شبکه های اجتماعی نه تنها حضور موثری داشته باشیم بلکه باید بتوانیم مکانیزمهایی را بسازیم تا از طریق آن رابطه اجتماعی ما با خیل عظیم جوانان، زنان، دانشجویان، کارگران، معلمان و پرستاران و توده عظیم مردم که در این شبکه ها حضور دارند را برقرار کنیم. با تبلیغات درست و مناسب و با ادبیات و زبان اجتماعی و متقابل، خودمان را بیش از پیش به مردم بشناسانیم و و بموازات با تامین حضور سیاسی خود در آن سعی در ارتباط گیری با مردم نماییم. بنوعی باید بگویم ریل و فضای سیاسی جامعه اگر قبلا در روزنامه و نشریه و وبسایت و وبلاگ و پالتاک تعریف میشد در حال حاضر مهاجرت عظیمی از آنها به سمت شبکه های اجتماعی صورت گرفته است. در حال حاضر شبکه های اجتماعی بنوعی "ذهن سیاسی اجتماعی" میلیونها نفر هستند که مکمل مبارزه آنها در سطح جوامع اند. سازمانیابی، هماهنگی و برنامه ریزی بصورت وسیع را شبکه های اجتماعی به عهده دارند. ما بعنوان حزب سیاسی کمونیست باید در سبک کارمان این تغییر ریل را بیشتر از قبل بدهیم تا بتوانیم بصورت وسیع با مردم تماس برقرار کنیم و جذب نیروی وسیعی که مورد انتظار هست کلید بخورد.

**برقراری تماس و ارتباط از طرف جامعه**

ما با وجود ابزارهای فوق که توان سازماندهی بالایی دارد هنوز حزب سیاسی، انقلابی و کمونیستی را باید بیش از قبل تقویت کنیم که متشکل از جمعی از کادرها و اکتیویست های کمونیستی است که امرشان سرنگونی سرمایه داری و ایجاد جامعه ای سوسیالیستی را هدف خود تعریف میکنند. ما باید در دل مبارزات متنوعی که در مقابلمان هست از مبارزه برای برابری زن و مرد تا علیه اعدام تا آزادی زندانیان سیاسی تا مبارزه برای حق کودک تا فعالیت در دفاع از محیط زیست و.... باید بدانیم که ساختن فعالینی که بخوبی آگاه هستند که برای رفع هرگونه تبعیض و نابرابری و مقابله با انواع و اقسام پدیده های ضدانسانی، همه این مبارزات که در هر عرصه ای انجام میگیرد را بر بستر مبارزه طبقاتی باید تعریف کرد و بقول معروف باید کل نقشه را مورد توجه داشت. برای اعضا و تماسهایی که با ما برقرار میشود باید علاوه بر تشویق و ادامه کاری به فعالیت عرصه ای که هر تماس گیرنده - مثلا در حیطه دفاع از محیط زیست و یا حق زن- دارد، باید او را به کمونیزم کارگری و نقد ما به سیستم موجود که منشا همه این وضعیت است را مسلط کنیم. هر فردی که به ما نزدیک میشود و میخواهد عضو ما شود را با با آموزش سیاسی و با برنامه ای درست، منعطف و با خونسردی و درایت به سمت ساختن کادری کمونیست که سرمایه حزب و جنبش کمونیزم کارگری شود باید پیش ببریم. بنابراین ما در سه سطح باید اقداماتمان را پیش ببریم که تیتر وار به آن اشاره میکنم:

1.ادامعه فعالیت روتین در عرصه های مختلف و تامین حضور سیاسی خودمان که جامعه مرتبا حضور ما را حس کند.

2. پرزنت خودمان از نظر سیاسی و تشکیلاتی به اعضای جدید.

3. سازماندهی تشکیلاتی و تقویت حزب:

الف. آموزش سیاسی.

ب. تقسیم کار و دادن مسئولیت روتین به همه اعضا.

من در اینجا بحثم را به پایان میبرم و بالطبع اینها مبانی هستند و هرکدام را میشود باز کرد و مشروح توضیح داد. امیدوارم بشود در فرصتی دیگر اینکار را در وقتی کافی انجام دهیم.